

بررسی تطبیقی مفهوم معنای زندگی متاثر از فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس و فلسفه حکمت متعالیه در معنادرمانی و تدوین بسته آموزشی معنا درمانی مبتنی بر حکمت متعالیه

احمد مسائلی^۱، مصطفی قاسمی^۲

^۱ استادیار گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی خمینی شهر اصفهان

^۲ کارشناس ارشد روان شناسی اسلامی دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان

نویسنده مسئول:

احمد مسائلی

چکیده

این پژوهش در نظر دارد با توجه به ضرورت معنا در زندگی انسان امروزی و با توجه به ظهور روان شناسی اسلامی و استفاده از مفاهیم بنیادی فلسفه حکمت متعالیه در طرحواره اصلی این رشته، در زمینه معنا درمانی که یکی از روش های درمانی معاصر در روان شناسی غربی می باشد از طریق روش مقایسه ای شباهت ها و وجوه تمایز مولفه های مفهومی معنای زندگی در سه محور هدف زندگی، کارکرد زندگی و ارزش زندگی از دیدگاه فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس و فلسفه حکمت متعالیه صدرا را مشخص کند و با توجه به مولفه های فلسفه حکمت متعالیه بسته آموزشی معنا درمانی صدرا را تدوین نماید، در نتیجه گیری صورت گرفته در این پژوهش در محورهای معنای زندگی یعنی هدف زندگی، کارکرد زندگی و ارزش زندگی از نظر یاسپرس و صدرا شباهت هایی در زمینه دستیابی به مقام انسان کامل و صفات او و افتراق هایی در زمینه خداشناسی انسان کامل وجود دارد، و بر اساس مبانی فلسفه حکمت متعالیه بسته آموزشی معنا درمانی صدرا را تدوین شده است.

کلید واژه ها: ۱. معنادرمانی ۲. اگزیستانسیالیسم یاسپرس ۳. حکمت متعالیه ۴. معنای زندگی ۵. صدرا

مقدمه

با توجه به اهمیت و ضرورت معنا در زندگی انسان و مشکلات روان شناختی که بشر امروز به آن گرفتار است، روشی را باید در جهت پر نمودن این خلاء پیدا نمود و به ترمیم و درمان آن پرداخت. یکی از اصول مهم در مورد معنای زندگی برای انسان آگاهی نسبت به شناخت صحیح جهت رسیدن به کمالات انسانی، هدف و غایت انسان در زندگی و تلاش برای دستیابی به آن می باشد. که در این پژوهش قصد بررسی مبانی و اصول دو فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس و فلسفه صدرایی در باب مفهوم معنای زندگی می باشد سپس مفهوم معنای زندگی از فلسفه صدرایی با مفهوم معنای زندگی از فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس و تأثیری که می تواند بر معنا درمانی داشته باشد مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرد. در این پژوهش فرض ابتدایی موضوع بر این اصل استوار می باشد که معنادرمانی از فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس نشأت گرفته است بنابراین فلسفه صدرایی می تواند در باب مفهوم معنای زندگی در ترمیم و بهبود معنادرمانی موجود موثر واقع شود. در این پژوهش ابتدا به تعریف واژه معنا پرداخته می شود و سپس در ادامه مبانی و اصول فلسفه های صدرایی و اگزیستانسیالیسم یاسپرس، مبانی و اصول معنادرمانی و اختلافات و شباهت های مفهوم معنا در دو فلسفه مورد بررسی قرار می گیرد. لازم به ذکر است با توجه به اختلافات موجود در طرح مولفه های معنای زندگی، مولفه های اصلی آن را بر اساس سه امر مشترک بین تمام کسانی که در این زمینه قلم زده اند با تعریف پل ادوارز قرار می دهیم و بر این اساس مولفه های معنای زندگی در سه محور هدف زندگی، کارکرد زندگی و ارزش زندگی مطرح می گردد. در ابتدا واژه معنا از سه جهت اساسی به شرح ذیل مورد بررسی قرار می گیرد. (نصری، ۱۳۹۶، صص: ۱۱۰-۱۱۱)

هدف زندگی: پل ادواردز معتقد است باید میان هدف «برای زندگی» هر فرد انسانی و هدف «در زندگی» هر فرد تفکیک قائل شد به باور او هدف برای زندگی توسط خداوند تعیین می شود که بر زندگی همه افراد انسانی اشراف دارد زیرا خداوند می تواند برای کل زندگی انسانها هدفی تعیین نماید.

فایده و کارکرد زندگی: کارکرد عبارت از اموری است که در صورت تحقق هدف بر زندگی فرد مترتب می شود. ارزش زندگی: برخی از پژوهشگران واژه معنا را در ترکیب معنای زندگی معادل با ارزش گرفته اند. از نظر آنها برخی امور برای انسانها ارزشمندند مانند اشخاص، اشیای مقدس، طبیعت، آثار هنری، سنت ها و فرهنگ ها. انسانها می کوشند تا در پرتو یک سلسله امور ارزشمند به زندگی خود معنا ببخشند.

روش تحقیق در این پژوهش به صورت مقایسه ای از طریق تحلیل و مقایسه معنای زندگی در سه محور هدف زندگی، کارکرد زندگی و ارزش زندگی در دو فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس و حکمت متعالیه صدرای می باشد.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش به صورت مقایسه ای از طریق تحلیل و مقایسه معنای زندگی در سه محور هدف زندگی، کارکرد زندگی و ارزش زندگی در دو فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس و حکمت متعالیه صدرای می باشد.

اهمیت پژوهش

در اهمیت پژوهش حاضر می توان گفت با توجه به اهمیت مفهوم معنای زندگی در معنا درمانی به بررسی تطبیقی این مفهوم در دو فلسفه اگزیستانسیالیسم و حکمت متعالیه پرداخته می شود. معنا درمانی به عنوان یکی از درمان های معتبر روان شناسی در جهان که توسط ویکتور فرانکل و با توجه به فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس پایه ریزی شده، مورد استقبال روان شناسان کنونی قرار گرفته است و با توجه به اهمیت و جایگاه معنا در زندگی انسان این پژوهش سعی دارد در جهت بهبود و ترمیم معنا درمانی موجود از مفهوم معنای زندگی در فلسفه حکمت متعالیه بهره گیرد. هم چنین با توجه به اینکه پژوهشی در این زمینه خاص انجام نگرفته است. این پژوهش می تواند راهی را جهت رشد مفاهیم فلسفه اسلامی در روان شناسی اسلامی حال حاضر فراهم آورد.

اهداف پژوهش

این پژوهش دو هدف عمده را مد نظر قرار می دهد که عبارت است از:

- ۱- بررسی تطبیقی مفهوم معنای زندگی متأثر از فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس و فلسفه حکمت متعالیه در معنا درمانی
- ۲- تدوین بسته آموزشی معنا درمانی مبتنی بر حکمت متعالیه

پیشینه پژوهش

نصری (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «تحلیل معنا در معنای زندگی» به بررسی نظریات فلسفه اگزیستانسیالیسم و فلسفه اسلامی (حکمت متعالیه ملاصدرا) پرداخته است و این طور نتیجه گیری کرده است که در بحث معنای زندگی تحلیل معنا و

مفهوم آن نقش مهمی را ایفا می کند و مراد از پرسش آیا زندگی انسان معنا دارد بدین شرح می باشد که باید برای پاسخ این سوال به تفسیر حیات پردازیم. کسی که آفرینش انسان را تصادفی بداند که خود تصمیم گیرنده برای ادامه حیات خود باشد. (فلسفه اگزیستانسیالیسم) با کسی که منشا حیات را خدا و اختیار وجود و عدم را در دست او بداند (فلسفه صدرا) نه تنها حیات را معنادار می داند، بلکه باید به دنبال کشف معنا تا جعل معنا برای آن نیز باشد.

رضازاده (۱۳۷۹) در مقاله ای با عنوان «درآمدی بر انسان شناسی ملاصدرا» به بررسی اصول و مبادی فلسفه حکمت متعالیه ملاصدرا از جهت شناخت و واقعیت انسان در جهان هستی اشاره می کند که این دیدگاه تعیین کننده نقش معناداری در زندگی هر انسان را در جهان بینی ای که فلسفه اگزیستانسیالیسم پیش روی او قرار می دهد، مشخص می کند مردانی نوکنده (۱۳۸۱) در مقاله ای با عنوان «مبانی اگزیستانسیالیسم» به بررسی اصول و مبادی فلسفه اگزیستانسیالیسم را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد، و در نتیجه منشا مسوولیت های آدمی را در جهان هستی آزادی او در انتخاب زندگی می داند و جعل معنایی که توسط او انجام می شود، و بیان می دارد اصل اصلی این فلسفه بدین صورت است که انسان از نظر وجودی مثل تمام موجودات دیگر آفریده شده و از آن به بعد شروع به ساختن ماهیت برای خود می کند با تاکید بر قدرت اختیار و انتخاب و تجربه های انسانی که در طول زندگی برای وی رخ می دهد.

بیدهندی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «بررسی معناداری زندگی در اندیشه ملاصدرا و کی یرگور» به بررسی معنا داری زندگی در دو اندیشه نامبرده می پردازد، و در نتیجه بیان می دارد با توجه به ویژگی های منحصر به فردی که در انسان وجود دارد، کلید معناداری زندگی انسان در کشف نسبت های او با خود، خدا، عالم هستی و دیگران و جامعه است که در اندیشه صدرا معناداری زندگی انسان دارای عقبه و پشتوانه ای است که همانا معناداری کل هستی است، اما در اندیشه کی یرگور نوعی جدایی و افتراق میان زندگی انسان با عالم هستی مشهود است که به نحوی مانع پیوند انسان با عالم هستی می گردد، که البته تبیین رابطه انسان با خدا را نیز مخدوش می نماید.

حقیقت (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان «مقایسه دیدگاه اصالت وجودی صدرا و دیدگاه اگزیستانسیالیستی یاسپرس در باب خدا» به بررسی دیدگاه دو فلسفه در باب خداوند می پردازد و در نتیجه بیان می دارد اعتقاد به خداوند از متعلقات ایمان می باشد، اما چون ایمان صدرا منافی عقل نیست، بنابراین با دو حوزه جداگانه یعنی ایمان به خدا و ادراک خداوند روبه رو نیستیم پس هم می توان به او ایمان داشت و هم برای وجود او استدلال ورد. صدرا برای خداوند قائل به صفات ایجابی است و معتقد است امکان سخن گفتن ایجابی و معنادار در مورد خداوند با شناخت صفات او ممکن است. اما یاسپرس در بحث خدا و صفات وی دارای دیدگاهی سلبی و غیرعقلانی و غیر دینی است از نظر وی خدا وجود دارد و هستی او مسلم است اما نمی توان در مورد آن سخن گفت، چون بزرگ ترین ویژگی او استعلا داشتن وی است که منزله از هر تشبیه و توصیفی است و برای درک خداوند از شهود باید استفاده نمود.

حیسن زاده یزدی (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان «وجود در حکمت متعالیه و اگزیستانسیالیسم» به بررسی دیدگاه دو فلسفه در باب وجود که یکی از مفاهیم اصلی و بنیادی می باشد، می پردازد و در نتیجه گیری آن بیان می دارد، که اساسی ترین و مهم ترین تفاوت میان حکمت متعالیه و اگزیستانسیالیسم این است که در اگزیستانسیالیسم، وجود به معنای شکل و شیوه بودن انسان و ناظر به هستی آن به شمار می رود، اگزیستانسیالیست ها در پی آن اند که تفاوت میان وجود انسان با سایر شکل های هستی را به تصویر بکشند. از این رو اصطلاح اگزیستانس را در غیر از وجود انسان به کار نمی برند. آنان دغدغه انسان را دارند، اما ملاصدرا وجود را همان عین خارجی و واقعیت می داند که عمق آن در نهایت ابهام و خفاست. در نگاه صدرا، وجود به انسان محدود نمی شود؛ بلکه به تشکیک از وجود الهی تا موجودات مادی را شامل می شود.

اسفندیاری (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «رویکردی تطبیقی به تکامل نفس صدرا و تعالی وجودی یاسپرس در پرتو حرکت جوهری» به بررسی رشد و تعالی نفس انسان در دو فلسفه فوق می پردازد و در نتیجه آن بیان می دارد که ملاصدرا و یاسپرس هر دو انسان را جزئی از عالم می دانند که دارای ماهیتی از پیش تعیین شده و مرتبه ای قطعی و معین نیست و هر فردی برای خود منحصر به فرد است. مبنایی که بر اساس آن ملاصدرا آدمی را ذو مراتب می داند، سعه وجودی ذات انسان است. که به علت انبساطش گونه های مختلف آدمی را در خود محقق می سازد. اما یاسپرس علت ذو مراتب بودن را در بی ذاتی و بی ماهیتی آدمی می داند، نه گسترش وجودی او. در حقیقت سیر تکاملی انسان در فلسفه صدرا برای زندگی در این جهان مادی تا سفر به جهان آخرت در پرتو حرکت جوهری و محوریت آن است، ولی برای یاسپرس نیز در ذات هستی حرکت به سوی متعالی نهفته و با جهش به سوی اوست، که انسان از حد خویش فراتر می رود و اصالت خویش را بازمی یابد و به آرامش می رسد.

تمامی پژوهش های انجام شده تا به حال در زمینه بافت نظری و صرفاً مفاهیم انتزاعی در باب فلسفه بوده اند، بطوری که پژوهش صورت گرفته ارتباطی بین فلسفه و روان شناسی ایجاد می کند، و مفاهیم نظری و انتزاعی را به سمت مفاهیم عملی و کاربردی هدایت می کند.

یافته های پژوهش

مقایسه تطبیقی هدف زندگی:

با توجه به مبانی اصلی دو فلسفه، معیار در هدف زندگی دو فلسفه رسیدن به نقطه کمال انسانی می باشد، که پس از بررسی نقاط اشتراک و افتراق به شرح ذیل می باشد:

- انس با خدا و شناخت خدا (مشترک)
 - شناخت خود (مشترک)
 - شناخت حقیقت هستی (مشترک)
 - ارتباط با مردم (متفاوت) از نگاه فلسفه پاسپرس ارتباط با مردم شرط شکوفایی انسان است ولی از نگاه صدرائی اهمیت این امر در موارد لزوم است.
 - دوست دار علم و علما و ارتباط با افکار فیلسوفان (مشترک)
 - رسیدن به درجه انسان کامل (متفاوت) در این جهان از نگاه فلسفه پاسپرس امکان ندارد ولی از نگاه فلسفه صدرائی امکان دارد.
 - نگاه به مرگ و یاد مرگ در زندگی (متفاوت) نگاه صدرائی بر اساس نظام احسن شکل گرفته است ولی نگاه پاسپرسی بر اساس یک رنج و محدودیت که می توان از آن در جهت ایجاد هستی استفاده نمود.
 - مزین بودن انسان کامل به صفات نیکو پسندیده (مشترک)
 - آزادی انسان (متفاوت) اگرچه از دیدگاه صدرائی و پاسپرس اموری همانند جامعه نمی توانند به عنوان محدود کننده آزادی انسان مطرح گردند ولی در تبیین های هستی شناسی صدرائی امکان جبر اراده بر اساس حکمت هایی از جانب پروردگار مطرح است ولی این امر از دیدگاه پاسپرس قابل طرح نیست.
 - کمال طلبی انسان کامل (مشترک)
 - گریز از شهوات و رذایل (مشترک)
 - منزله از عیب و نقص (مشترک)
 - ذاکر اسماء خدا و عشق به خدا (متفاوت) از مراتب سلوکی انسان کامل در فلسفه صدرائی محسوب می شود در حالی که در فلسفه پاسپرس مورد توجه نیست.
 - زهد حقیقی و تهجد نفس (متفاوت) از مراتب سلوکی و طریقتی انسان کامل در فلسفه صدرائی است در حالی که با این دقت در فلسفه پاسپرس مورد توجه نیست.
 - عمل درونی فرد به جای عرفان و فلسفه متعالی (متفاوت) فلسفه پاسپرس نوعی درون گرایی شدید است اگرچه متضمن نوعی کشف نیز هست.
 - مکاشفات ربانی (متفاوت) در سطحی که در فلسفه صدرائی مطرح می شود قابل مقایسه با فلسفه پاسپرس نیست اگرچه نوعی درون گرایی کشفی در این مکتب مطرح است.
 - بالارفتن از مرتبه عواطف و اعمال سطحی مردم عادی (مشترک)
 - مشتاق شناخت رب، افعال و صفات او (متفاوت) در فلسفه صدرائی هدف هستی شناخت و شهود حقیقت تعالی است ولی در فلسفه پاسپرس اشتیاق دست یابی به آن مطرح نیست.
 - اصالت وجودی انسان در برابر اصالت ماهیت (متفاوت) در فلسفه پاسپرس اصالت وجود راه یابی به مراتب وجود و هستی است ولی در فلسفه صدرائی مفهوم اصالت وجود تساق وجود و عینیت است
 - تلاش و استفاده از تمام استعدادها و قوای درونی (مشترک)
- مقایسه تطبیقی کارکرد زندگی:
- با توجه به مبانی اصلی دو فلسفه، معیار در کارکرد زندگی دو فلسفه آثاری است که انسان پس از رسیدن به نقطه کمال کسب می کند، که پس از بررسی نقاط اشتراک و افتراق به شرح ذیل می باشد:
- عمل به فرامین الهی (مشترک)
 - ارتباط با خدا (مشترک)

- خود آگاهی (مشترک در بعضی جهات)
- روشنی و وضوح عشق به هستی (مشترک)
- انکشاف هستی و شهود حقایق (مشترک در بعضی جهات)
- مظهریت جمال و جلال الهی (مشترک در بعضی جهات بدون ادعای مظهریت جمال و جلال الهی از نگاه یاسپرس)
- تخلیه از رذائل اخلاقی و تحلیه به فضایل اخلاقی (مشترک در بعضی جهات)
- رفع حجاب های ظلمانی و نورانی (مشترک) بدون ادعای یاسپرس مبنی رفع حجاب ها
- آرامش ذهن (مشترک)
- قدرت مقابله با محدودیت ها (مشترک) (نقطه اتصال یاسپرس به معنادرمانی)
- استواری در تصمیم (مشترک)
- حفظ بهداشت فردی (نبودن استرس - اضطراب و افسردگی) (مشترک)
- حفظ بهداشت اجتماعی (حفظ انسجام اجتماعی. کاهش جرم) (مشترک)
- نوع دوستی (مخالفت با خود بینی) (مشترک)
- دگرگونی لحظات انسان در طول زندگی (شور و عشق به زندگی) نگاه مثبت به زندگی .

مقایسه تطبیقی ارزش زندگی:

با توجه به مبانی اصلی دو فلسفه، معیار در ارزش زندگی دو فلسفه غایتی می باشد که انسان کامل برای رسیدن به تلاش کرده و به زندگی او معنا می بخشد، که پس از بررسی نقاط اشتراک و افتراق به شرح ذیل می باشد:

ایمان مدنظر صدرا و یاسپرس بسیار با هم متفاوت است. ایمان صدرا مبتنی بر شریعت و وحی است، (پورحسن، ۱۳۹۱، ص: ۴) اما یاسپرس به ایمان فلسفی باور دارد. ایمانی که نه تنها ربطی به شریعت و وحی ندارد، بلکه آن را نیز نفی می کند.

صدرا در مسئله ایمان قائل به رویکردی عقلی یا ذهن گرایانه است، که در آن گوهر ایمان از جنس معرفت عقلی به حساب می آید و متعلقات ایمان نیز قضایایی اند که باور شخص مومن قرار می گیرند. اما یاسپرس ایمان را در جایی به کار می برد، که حرفی از استدلال و عقل نباشد. وی بیان می کند که: «وقتی دلیل پایان می پذیرد، ایمان آغاز می گردد». وی بیان می کند که اگر ایمان به منزله دانشی استدلال پذیر مطرح شود، جهت و معنای آن از میان می رود. (اکبریان، ۱۳۸۴، ص: ۱۶)

در واقع ایمان مذهبی مبتنی بر وحی و از سوی هستی مطلق است که با انسان منتخب مستقیماً سخن می گوید. اما موضوع ایمان فلسفی تعالی است که خود را ظاهر نمی سازد، سخن نمی گوید، اما در عالم سر است و در سکوت مشارکت می کند.

از آنجا که ملاصدرا قائل به الهیات ایجابی است و یاسپرس معتقد به الهیات سلبی، می توان نظر هر کدام را نسبت به ادراک خدا و خداشناسی پیش بینی نمود:

ملاصدرا خداوند را هم با عقل و هم با شهود شناختنی می داند. و در بحث چیستی و ماهیت خداوند، وی معتقد است که کنه و حقیقت ذات خداوند برای هیچ کس و در هیچ مرحله ای شناخت پذیر نیست. ملاصدرا بیان می کند که هر قدر جوهر از ماده دورتر شود، ادراک ما از واجب تمام تر می شود، و زمانی که از ماده به کلی مفارقت کنیم، در آن وقت درک ما از خدا کامل تر از پیش می گردد. ولی با این حال حتی در این حالت نیز او را چنان که حق و شایسته اوست، ادراک نمی کنیم، زیرا قوه ادراک ما متناهی و حق اول، در کمال، غیر متناهی است. پس اعتراف به عجز در معرفت او واجب است و همین غایت معرفت اوست.

اما از دید یاسپرس هستی خداوند مسلم است، آن هم به طریقی شهودی و غیر عقلانی. (روستایی، ۱۳۹۲، ص: ۳۰) ولی در بحث از چیستی و ماهیت خداوند مانند صدرا معتقد است که نمی توانیم هیچگونه ادراکی از آن داشته باشیم، نه به طور عقلانی و نه به طور غیر عقلانی. چنان که می گوید: «متعالی ورای همه صور است، بلکه بخش دسترسی ناپذیر متعالی همان واقعیت متعال است. از این رو در مقام بیان حقیقت او، سکوت و تسلیم شدن بهترین تعریف است. (اسفندیاری، ۱۳۹۲، ص: ۱۵۱)

ملاصدرا غایت شناخت ذات خداوند را جهل به شناخت او می داند و یاسپرس از این غایت به عنوان شکست در برابر شناخت او یاد میکند. خداوند برای یاسپرس موضوع ایمان است، نه موضوع شناخت عقلانی. (حقیقت، ۱۳۸۸، صص: ۷۷-۸۰) از نظر صدرا هر چه قدر وجود کامل تر باشد، ماهیت آن کمتر می باشد. از این رو ملاصدرا خداوند را تهی از ماهیت و وجودی بی حد می داند. اما اگرستانسیالیسم ها هرگز اگرستانس را در مورد خداوند به کار نمی برند و خداوند را از دایره توجه به اگرستانس بیرون می دانند. تنها اهتمام آنها بررسی وضعیت انسان است و نمی توانیم از واقعیت مطلق سخن بگوییم. لذا

هیدگر در مورد سایر موجودات - غیر از انسان- اساسا از وجود سخن نمی گوید، آنها صرفا هستند و فقط انسان دارای وجود می باشد. (حسین زاده، ۱۳۹۰، ص: ۱۷)

تدوین بسته آموزشی معنا درمانی مبتنی بر حکمت متعالیه:

معنادرمانی اسلامی (صدرایی)، روش درمانی است که در آن بیمار در جهتی هدایت می شود که معنای زندگی خود را کشف کند. نظریه معنادرمانی اسلامی صدرایی بر مفاهیمی چون کشف معنای حقیقی انسان، تعالی و رشد روح، تکاپوی اندیشه ای، غایت زندگی، معنای نفس و معاد در جریان درمان توجه دارد و از روش های مشاوره ای آرامش روانی، تلاش مثبت، برنامه ریزی در جهت رشد استفاده می کند و این رویکرد شناخت صحیح نسبت به مفهوم وجودی انسان، جهان هستی و رابطه با خداوند توجه دارد.

این معنادرمانی بر اساس سه مولفه هدف زندگی، کارکرد زندگی و ارزش زندگی می باشد، که مولفه های اساسی معنای زندگی در نظریه ملاصدرا می باشند.

جلسه اول:

سامان دهی جلسات، توجیه آزمودنی، آشنایی با مراجع و تبیین چگونگی شکل گیری مشکل روانی
اهداف:

۱- پرکردن پرسشنامه

۲- آشنایی با مراجع

شیوه اجرا:

در این جلسه راجع به اهداف، چگونگی پر کردن پرسشنامه و زمان برگزاری جلسات صحبت می شود.
جلسه دوم:

معرفی رویکرد معنا درمانی اسلامی صدرایی و آموزش اصطلاحات و مفاهیم مهم آن
اهداف:

۱- معرفی رویکرد معنادرمانی صدرایی

۲- آموزش اصطلاحات و مفاهیم اصلی

شیوه اجرا:

در این جلسه مختصری در مورد معنا درمانی صدرایی و نقش آن در شناخت معنای حقیقی زندگی صحبت می گردد. سپس تفاوت آن را با سایر رویکردها شرح می دهیم.
تکلیف:

از مراجع خواسته می شود با توجه به مفاهیم اصلی معنادرمانی صدرایی ارائه شده در این جلسه، بیان نماید که کدام یک از افکار و رفتار های وی تاکنون در راستای این مفاهیم بوده است.
جلسه سوم:

شناخت و پذیرش مشکلات مراجع و تحلیل و ارزیابی علت بروز مشکل مراجع
هدف:

مطرح شدن مشکل مراجع و ارزیابی آن

شیوه اجرا:

در این جلسه ابتدا مطالب جلسه قبل که شامل مبانی اصلی مولفه های معنای زندگی از دیدگاه صدرا که به سه دسته هدف زندگی، کارکرد زندگی و ارزش زندگی تقسیم می گردد، مرور می شود، و تکلیف جلسه قبل بررسی و مورد ارزیابی قرار می گیرد، سپس مشکلات مطرح شده و مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.
تکلیف:

از مراجع خواسته می شود تا نظر خود را در مورد مشکلات و علت به وجود آمدن آنها در خود را ذکر نماید.
جلسه چهارم:

افزایش و تعمیق خود آگاهی درونی و آگاهی از شناخت های مرتبط با رفتار از طریق استفاده از فنون افزایش آگاهی نسبت به خود
هدف:

۱- اصلاح نگرش مراجع نسبت به مشکلات خود

۲-افزایش خودآگاهی و شناخت صحیح خود

شیوه اجرا:

در این جلسه ابتدا موضوع جلسه قبل مرور می گردد. و بعد مراجع درباره تکلیف داده شده صحبت می کند. سپس در مورد اصلاح نگرش مراجع نسبت به مشکلات خود و افزایش خودآگاهی و شناخت صحیح خود صحبت می شود، و به بحث در مورد هدف زندگی یعنی مبانی انسان کامل که فرد باید به آنها دست یابد، مورد بحث قرار می گیرد.

تکلیف:

از مراجع خواسته می شود عواملی را که باعث بروز بی معنایی در زندگی با توجه به مولفه های معنای زندگی که نام برده شده است، را بیان کند.

جلسه پنجم:

شیوه های معنا خواهی در زندگی با توجه به آشنایی با مفهوم انسان و روش های خودشناسی و تاثیر آن بر معنای زندگی

اهداف:

۱- معنا خواهی چیست؟

۲- آشنایی با مفهوم انسان و روش های خودشناسی

شیوه اجرا:

در این جلسه ضمن مرور موضوع و تکلیف جلسه قبل، در رابطه با مفهوم انسان و روش های خودشناسی صحبت می شود.

تکلیف:

از مراجع خواسته می شود با توجه به آشنایی با مفاهیم شناختی ذکر شده، شناختی که نسبت به خودش دارد را ذکر نموده و چک لیستی از نقاط ضعف و قوت و علایق خود تهیه کند.

جلسه ششم:

آشنایی با مفاهیم هدف و غایت زندگی و نقش انسان در جهان هستی

اهداف:

۱- آشنایی با مفاهیم هدف و غایت زندگی

۲- نقش انسان در جهان هستی

شیوه اجرا:

در این جلسه ابتدا مطالب جلسه قبل مرور می گردد. سپس مراجع در مورد تکلیف جلسه قبل توضیح می دهد سپس در مورد آشنایی با مفاهیم هدف و غایت زندگی و نقش انسان در جهان هستی صحبت می شود، و مولفه های کارکرد زندگی یعنی نتایجی که انسان کامل در زندگی به آن دست می یابد، مورد بحث قرار می گیرد.

تکلیف:

از مراجع خواسته می شود در رابطه با مطالب ذکر شده در این جلسه، نگاه خود را در رابطه با نقش خود در زندگی و نگاه به جهان را ذکر نماید.

جلسه هفتم:

آشنایی با مفهوم خداشناسی و نحوه ارتباط با خداوند و اصلاح نگرش فرد نسبت به خداوند

هدف:

۱- آشنایی با مفهوم خداشناسی و نحوه ارتباط با خداوند

۲- اصلاح نگرش فرد نسبت به خداوند

شیوه اجرا:

ابتدا مروری بر موضوع جلسه قبل صورت می گیرد و با مراجع در مورد تکلیف جلسه قبل بحث می شود. سپس در مورد آشنایی با مفهوم خداشناسی و نحوه ارتباط با خداوند و اصلاح نگرش فرد نسبت به خداوند صحبت می شود، و در مورد ارزش زندگی و نقش حیات برای انسان کامل و خدا به عنوان مهم ترین ارزشمندی این حیات مورد بحث قرار می گیرد.

تکلیف:

از مراجع خواسته می شود در رابطه با مطالب ذکر شده در این جلسه، نگاه خود را در مورد مفهوم خداشناسی و تاثیر آن در زندگی اش بیان کند.

جلسه هشتم:

افزایش افق دید درباره منشأ معنا، درک و پذیرش معنای حقیقی و راههای رسیدن به آن
اهداف:

۱- کشف منشأ معنای حقیقی

۲- کشف راههای رسیدن به معنا

شیوه اجرا:

در این جلسه ضمن مرور مطالب و تکلیف ذکر شده در جلسه قبل، خلاصه ای از مفاهیم خودشناسی، جهان بینی و خداشناسی ذکر شده و ارتباط آنها با معنای حقیقی و راه رسیدن به این حقیقت مورد بحث قرار می گیرد.
تکلیف:

از مراجع خواسته می شود بر اساس مطالب فوق الذکر میزان تاثیر گذاری این شناخت ها، در نحوه برخورد با مشکلاتش را بیان کند.

جلسه نهم:

اصلاح نگرش مراجع در رابطه با مفاهیم ذکر شده تا این جلسه و شیوه معنایابی حقیقی در زندگی و ذکر نقش آن در تکامل انسان

اهداف:

۱- آشنایی با معنایابی حقیقی و کاربرد آن در برخورد با مشکلات

۲- اصلاح نگرشها مراجع در مورد معنای زندگی

۳- نقش معنا در تکامل انسان

شیوه اجرا:

در این جلسه ضمن مرور مطالب جلسه قبل و پرداختن به تکلیف انجام شده مراجع، به شیوه معنایابی حقیقی و اصلاح نگرش مراجع و تکامل انسان توسط این شیوه پرداخته می شود.

تکلیف:

از مراجع خواسته می شود بر اساس مفاهیم فوق الذکر، شیوه معنایابی و نگرش خود را در حال حاضر در ارتباط با مشکلات زندگی بیان کند.

جلسه دهم:

جمع بندی مبحث کشف معنا و راههای رسیدن به آن و نقش شناخت ناصحیح در بروز مشکلات روانی در مراجع و اجرای پرسشنامه بهزیستی روان شناختی جهت تشخیص بهبود مراجع

اهداف:

۱- مرور مفاهیم جلسات ۱ تا ۹

۲- پر کردن پرسشنامه

شیوه اجرا:

ضمن مرور مبحث جلسات قبل و جمع بندی مبحث کشف معنا و راههای رسیدن به آن و نقش شناخت ناصحیح در بروز مشکلات روانی در مراجع، پرسشنامه بهزیستی روان شناختی جهت تشخیص بهبود مراجع اجرا می شود.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نظرات یاسپرس و صدرا و بررسی تطبیقی مولفه های مفهومی از معناداری زندگی دو فلسفه اگزیستانسیالیسم و حکمت متعالیه و مولفه های معنادرمانی فرانکل، نتایج نشان دهنده این مطلب می باشد، که در سه زمینه هدف زندگی، کارکرد زندگی و ارزش زندگی در فلسفه یاسپرس و ملاصدرا شباهت ها و تفاوت هایی وجود دارد. شباهت های فلسفه یاسپرس و صدرا:

شباهت های دو فلسفه یاسپرس و ملاصدرا در مفهوم معنای زندگی، شامل هدفداری و غایتمندی زندگی، وجود خالق مدبر و نیاز به شناخت آن، شناخت پدیده های هستی و کشف معنا، قدرت اراده و اختیار انسان در جهان هستی و رشد و کمال انسان در طول دوره زندگی می باشند.

۱- صدرا و یاسپرس هر دو فرد را در صورت دستیابی به کمالات دارای سعه وجودی بیشتری تلقی می کنند.

۲- هر دو عمل به فرامین الهی را در ناحیه انسان هستی دار مد نظر دارند.

۳- هر دو انسان کامل را دارای وجدان اخلاقی که تشخیص دهنده خیر و شر می باشد، می دانند.

۴- هر دو بر قدرت اراده و انتخاب انسان در زندگی و تصمیم گیری برای انتخاب راه و هدف خویش تاکید می کنند.

۵- هر دو بر وجود خالق متعال که هستی بخش انسان و جهان پیرامون آن می باشد، عقیده دارند.

۶- هر دو بر دارا بودن خصلت های نیکو و منزّه بودن از عیب و نقص برای انسان کامل تاکید دارند.

۷- هر دو بر شناخت خود به عنوان مقدمه ای برای رسیدن به معنای زندگی هم نظر می باشند.

۸- هر دو بر استواری تصمیم گیری انسان کامل در زندگی تاکید دارند.

۹- هر دو بر آرامش ذهنی انسان کامل که به معنای زندگی دست یافته است، عقیده دارند.

۱۰- هر دو بر معناداری جهان و زندگی انسان تاکید نموده و زندگی را نعمت الهی که در اختیار انسان گذاشته شده است، تلقی می کنند.

تفاوت های فلسفه یاسپرس و صدرا:

تفاوت های دو فلسفه یاسپرس و ملاصدرا در مفهوم معنای زندگی، شامل اگزیستانس یا متعالی در فلسفه یاسپرس و خداشناسی در فلسفه صدرا، تفکر فلسفی یاسپرس و تفکر و شناخت وحیانی صدرا، رسیدن به سعادت و کمال از نظر یاسپرس و نیل به حقیقت از نظر صدرا، مراتب کمال و رشد وجودی از نظر یاسپرس و مراتب کمال نفس از نظر صدرا، ایمان به خدا در فلسفه یاسپرس و ایمان به خدا در فلسفه صدرا، مفهوم مرگ و توجه به آن در فلسفه یاسپرس و فلسفه صدرا، اصالت ماهیت در فلسفه یاسپرس و اصالت وجود در فلسفه صدرا، انسان کامل از نظر یاسپرس و صدرا، نقش آزادی در فلسفه یاسپرس و فلسفه صدرا، کارکرد زندگی از نگاه یاسپرس و از نگاه صدرا، ارزش زندگی از نگاه یاسپرس و از نگاه صدرا می باشند.

۱- نحوه دست یابی به فرامین الهی در نگاه صدرا از طریق انبیاء الهی و در نگاه یاسپرس از طریق درون گرایی است.

۲- نحوه رسیدن به کمال در نگاه صدرا از طریق شناخت وحیانی امکان پذیر می باشد ولی در نگاه یاسپرس رسیدن به کمال به صورت مطلق امکان پذیر نیست.

۳- شناخت خدا در نگاه صدرا از طریق سیر و سلوک و برهان عقلی و در نگاه یاسپرس از طریق نماد و رمز میسر می گردد.

۴- صدرا و یاسپرس هر دو بر اصالت وجود انسان به معنای پاسپرسی اشتراک دارند. و هر دو بر اصل بودن ماهیت به مفهوم پاسپرسی اتفاق نظر دارند ولی اصالت وجود صدرا متفاوت است.

۵- صدرا در ویژگی های انسان کامل بر دستیابی به مکاشفات ربانی تاکید می کند در صورتی که در نگاه یاسپرس ایمان قلبی از ویژگی های انسان کامل می باشد.

۶- در ارتباط با هدف زندگی انسان کامل صدرا از سه محور شریعت، طریقت و حقیقت نام می برد ولی یاسپرس بر سه محور روشنگری، زندگی در امر نامشروط و تفکر فلسفی تاکید می کند.

۷- از نظر صدرا انسان جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا می باشد و بر یگانگی وجود انسان عقیده دارد، در صورتی که از نظر یاسپرس روح به عنوان بعد دیگر انسان وجود دارد، و بر دوگانگی وجود انسان عقیده دارد.

۸- صدرا ارزش زندگی انسان را در کسب رضای الهی می داند و عشق به او را قوام دهنده ارزش زندگی می داند.

۹- صدرا برای انسان قوایی قائل است که آنها را به دو دسته نظری و عملی تقسیم کرده و مراتب رشد و تعالی انسان را در آنها شرح داده است، ولی یاسپرس بر ماهیت انسان که توسط خود او از طریق نیروی آزادی که به او داده شده است، رشد و تعالی او را ترسیم می کند.

۱۰- در دستیابی به زهد حقیقی و تهجد در نگاه صدرا سیر و سلوک انسان کامل و ریاضت و پرهیز از گناه مورد توجه است ولی در نگاه یاسپرس این مقوله مورد بررسی قرار نمی گیرد.

با توجه به این که ما در ابتدای این پژوهش اشاره به این موضوع نمودیم که مکتب معنا درمانی فرانکل، نشأت گرفته از فلسفه اگزیستانسیالیسم یاسپرس می باشد و بر اساس مولفه های مفهومی این فلسفه بنا شده است، لذا ما با توجه به مولفه های فلسفه صدرایی و استخراج مولفه های معناداری زندگی از آن، می توانیم بسته آموزشی یا پکیج معنا درمانی را بر اساس حکمت متعالیه صدرا تدوین نماییم.

از آنجایی که فلسفه مبادی هر علمی را مشخص می نمایند، بر اساس فلسفه اسلامی صدرا می توان معنا درمانی اسلامی را تدوین و بکار برد. و این که از نظر دستیابی به حقیقت امور در انسان شناسی، جهان بینی و خداشناسی صحیح و بر اساس مولفه های مفهومی و منطقی استخراج شده در این پژوهش به نتیجه رسید، که کدام فلسفه و کدام معنا درمانی می تواند تاثیری عمیق و کاربردی در درمان روان شناختی، همراه با عدم بازگشت مجدد و تاثیر در روش زندگی فرد داشته باشد.

از نظر یاسپرس سعادت در سطح اگزیستانس نمی تواند به صورت واقعی تحقق یابد و اگزیستانس حقیقت را در ایمان تجربه می کند، ایمانی که نشأت گرفته از کشف و شهود و بر اساس رمز و نماد شکل گرفته است و علاوه بر آن دستیابی به متعالی و بالاترین مرتبه دست نیافتنی می باشد. (موسوی، ۱۳۹۶، ص: ۲۵۰) اما از نظر صدرا در بحث سعادت و کمال ایمان به خداوند از طریق عقلانی و شهودی با هم امکان پذیر می باشد، ایمانی که به دلیل استدلال ها و ادله عقلی هم برای همگان امکان پذیر می باشد و هم دارای تداوم و اتصال بیشتری می باشد. و دستیابی به عقل مستفاد و درجه انسان کامل امکان پذیر می باشد، و این قدرت در وجود انسان می باشد که راه ضلالت را پیش بگیرد یا به سوی حقیقت مطلق و نور تجلی بخش حرکت نماید و نفس خود را ارتقاء دهد تا به بالاترین درجات نائل شود.

منابع

- اسفندیاری، سیمین، ۱۳۹۲، «رویکردی تطبیقی به تکامل نفس صدرایی و تعالی وجودی یاسپرس در پرتو حرکت جوهری»، *فلسفه و کلام*، ش ۵۸، ص ۱۴۱-۱۶۰.
- اکبری مطلق، جواد، ۱۳۹۶، «انسان کامل از دیدگاه شهید مطهری و علامه طباطبایی»، *معرفت*، ش ۲۳۴، ص ۱۵-۳۲.
- اکبریان، رضا، ۱۳۸۴، «خدا در فلسفه ملاصدرا»، *فلسفه و کلام*، ش ۴۱، ص ۵-۲۳.
- پورحسن، قاسم؛ عابدکوهی، فائزه، ۱۳۹۱، «معنای زندگی از دیدگاه ملاصدرا»، *فلسفه و کلام*، ش ۶۸، ص ۶۹-۷۸.
- تورانی، اعلی؛ طلوعی، رقیه، ۱۳۹۰، «معنای زندگی از منظر ملاصدرا و پل تیلیش»، *فلسفه و کلام*، ش ۶۶، ص ۲۷-۳۸.
- حسین زاده یزدی، مهدی، ۱۳۹۰، «وجود در حکمت متعالیه و اگزیستانسیالیسم»، *فلسفه و کلام*، ش ۱۸، ص ۵۹-۸۴.
- حقدار، علی اصغر، ۱۳۷۳، «مبانی حکمت متعالیه از دیدگاه صدرالمتالهین»، *فلسفه و کلام*، ش ۱۲، ص ۷۷-۸۶.
- حقیقت، لاله؛ زارع، الهه، ۱۳۸۸، «مقایسه دیدگاه اصالت وجودی صدرا و دیدگاه اگزیستانسیالیستی یاسپرس در باب خدا»، *فلسفه و کلام*، ش ۳۳، ص ۶۹-۹۰.
- خندان، علی اصغر، ۱۳۹۱، «کارل یاسپرس و نگاه وجودی به علیت، هستی شناختی»، *فلسفه و کلام*، ش ۲، ص ۹۵-۱۱۷.
- خواجوی، محمد، ۱۳۸۴، *اسفار اربعه ملاصدرا*، ۴ جلد، تهران، نشر مولی.
- دیوانی، امیر؛ دهقان پور، علی رضا، ۱۳۹۰، «معنا و هدف زندگی از دیدگاه صدرالدین شیرازی»، *اخلاق*، ش ۵، ص ۱۹-۴۲.
- روستایی، لیلا، ۱۳۹۲، *فلسفه اگزیستانس کارل یاسپرس*، تهران، نشر کتاب پارسه.
- زینتی، علی، ۱۳۷۹، «انسان کامل از دیدگاه روان شناسی و صدرالمتالهین»، *معرفت*، ش ۳۸، ص ۷۸-۸۹.
- طاهری، اسحاق، ۱۳۸۸، *نفس و قوای آن*، تهران، نشر موسسه بوستان کتاب.
- کرمی، حسین، ۱۳۸۲، «تعریف و تشخیص انسان از نگاه ملاصدرا و کارل یاسپرس»، *دفتر*، ش ۷۴، ص ۸۹-۱۰۹.
- مردانی نوکنده، محمدحسین، ۱۳۸۱، «مبانی اگزیستانسیالیسم»، *کیهان فرهنگی*، ش ۱۹۵، ص ۲۸-۳۱.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، *مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی*، قم، نشر صدرا.
- موسوی، سید محمود؛ شادپور، میثم، «بررسی انتقادی معنای زندگی از منظر اگزیستانسیالیسم الهی»، *فلسفه و کلام*، ش ۳۲، ص ۲۳۳-۲۶۲.
- نصری، عبدالله، ۱۳۷۵، *خدا و انسان در فلسفه یاسپرس*، تهران، نشر آذرخش.
- نصری، عبدالله، ۱۳۹۶، «تحلیل معنا در معنای زندگی»، *فلسفه و کلام*، ش ۶۷، ص ۱۰۳-۱۲۲.